

تحلیل رابطه سطح انتظارات از دولت و تمایل جوامع محلی به اقدامات پیشگیرانه در برابر مخاطرات (مطالعه موردی: نواحی روستایی شهرستان نیشابور)

طاهره صادق‌قلو* - استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
خدیجه بوزرجمهری - دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
زهرا سلیمانی - دانشجوی دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۸

چکیده

امروزه، تأکید بر مدیریت ریسک و اجرای اقدامات پیشگیرانه به‌عنوان اساسی‌ترین رویکرد در ادبیات مدیریت بحران مطرح است. اما تحقق این فرایند، به‌ویژه در جوامع روستایی و با جلب مشارکت جوامع محلی به انجام‌دادن اقدامات پیشگیرانه تحت‌الشعاع عوامل و موانع بسیاری است که سطح انتظارات جوامع محلی از دولت و وابستگی به آن برای مدیریت بحران و اثرهای آن یکی از مهم‌ترین این عوامل است. بنابراین، در پژوهش حاضر به تحلیل تأثیر انتظارات از دولت بر میزان تمایل جوامع محلی به مشارکت در انجام‌دادن اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح طبیعی با روش توصیفی-پیمایشی و با ابزار پرسش‌نامه پرداخته شده است. به‌منظور سنجش هدف و تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های تی تک‌نمونه‌ای، همبستگی پیرسون، آزمون رگرسیون خطی، و آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت کاربردی و از لحاظ نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، در منطقه مورد مطالعه میزان تمایل روستاییان به اقدامات پیشگیرانه پایین‌تر از سطح متوسط است. در حالی که سطح انتظارات مردم از دولت در برابر سوانح طبیعی بسیار بالاست. همچنین، ضمن تأیید ارتباط بین این دو متغیر، تأثیرگذاری متغیر انتظارات روستاییان از دولت بر عدم تمایل جوامع محلی به اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح طبیعی با میزان ضریب ۳۸ درصد تبیین و تأیید می‌شود. از سویی، بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، تمایل به اقدامات پیشگیرانه در بین روستاییانی که واکنش ترجیحی آن‌ها در برابر سوانح بر اساس مستندات و آرشینو تجربه آن‌هاست بیشتر از سایر روستاییان است.

کلیدواژه‌ها: تمرکززدایی، جوامع محلی، سوانح طبیعی، شهرستان نیشابور، مدیریت ریسک.

مقدمه

به‌طور کلی، جهان با افزایش شدت و کثرت وقوع مخاطرات طبیعی مواجه است (لیل و همکاران، ۲۰۰۶؛ دی جلنت و همکاران، ۲۰۱۱) که همچنان تهدیدی بزرگ برای همهٔ مناطق محسوب می‌شود و تأثیرات زیادی در ابعاد مختلف زندگی مردم در آینده خواهد داشت (آینی و فخرالرازی، ۲۰۱۰؛ هایلز، ۲۰۱۰). اساساً به این دلیل که سوانح طبیعی از ترکیب مخاطرات، شرایط آسیب‌پذیری، و اقدامات ناکافی برای کاهش پیامدهای منفی حاصل می‌شود، می‌تواند خطری بالقوه شناخته شود (آهرنس و رودولف، ۲۰۰۶). در واقع، سوانح طبیعی رویدادی غیرمنتظره است که عملکرد عادی یک جامعه را مختل می‌کند و به از بین رفتن زندگی، معیشت، و آسیب‌رساندن به زیرساخت‌های جوامع منجر می‌شود (فردهاوس و کاروارنس، ۲۰۱۸). در صورت وقوع این مخاطرات که شامل سیل، طوفان، گردباد، خشک‌سالی، فوران آتش‌فشانی، زمین‌لرزه، سونامی، آتش‌سوزی، و سایر فرایندهای طبیعی است (محمد شلوف، ۲۰۰۷)، آسیب‌های شدیدی بر جوامع مختلف وارد می‌شود که جبران و بازسازی این آسیب‌ها در کشورهای مختلف هزینه‌های زیادی برای دولت‌ها به بار می‌آورد. بر اساس رویکردهای نوین در مدیریت مخاطرات، انجام‌دادن اقدامات پیشگیرانه و آمادگی در برابر این رخدادها تا حد زیادی می‌تواند به کاهش اثرها و خسارت‌های جانی و مالی و به تبع آن کاهش هزینه‌های دولت برای بازسازی تلفات حاصله از مخاطرات و همچنین ذخیرهٔ منابع مالی به‌منظور انجام‌دادن اقدامات توسعه‌ای و حفاظتی مناسب‌تر منجر شود (کوندتوذر، ۲۰۰۶). اگرچه مخاطرات طبیعی به‌طور ناگهانی و بدون هشدار قبلی اتفاق می‌افتد، آمادگی برای مقابله و اقدامات پیشگیرانه می‌تواند در کاهش اثرهای منفی ناشی از این سوانح بسیار مؤثر باشد (شرو و کلان، ۲۰۱۴). باید اذعان کرد که اطلاع‌رسانی به مردم در صورتی مؤثر است که استراتژی‌های پیشگیری و آمادگی توسط مردم به کار گرفته شود (دراک، ۲۰۱۲؛ رایب و روسی، ۱۹۸۱؛ باسول و همکاران، ۲۰۰۹). اقدامات پیشگیرانه برای مواجهه با مخاطرات و مدیریت ریسک مخاطرات می‌تواند به دو شکل خودجوش یا از طریق دولت و نهادهای متولی با اهرم‌های سیاسی و حقوقی مختلف اجرا و ارزیابی شود. اما بر اساس شواهد و مطالعات انجام‌گرفته، تعداد کمی از افراد تمایل به انجام‌دادن اقدامات پیشگیرانه و آمادگی در برابر مخاطرات را دارا می‌باشند. این عدم تمایل را می‌توان ناشی از علل و عوامل بسیاری نظیر نگرش و ادراکات نادرست از سوانح و وقوع آن‌ها، توان مالی اندک، عدم نظارت و پیگیری دقیق بر فضا و ساخت‌وسازها از سوی نهادهای متولی، سطح دانش و آگاهی اندک، و بسیاری از علل دیگر دانست. اما در این میان یکی از مهم‌ترین علل عدم تمایل به اقدامات پیشگیرانه، به‌ویژه اقدامات پیشگیرانهٔ خودجوش مردمی، را می‌توان به سطح انتظارات یا وابستگی مردم به دولت در زمینهٔ انجام‌دادن اقدامات لازم هنگام برخورد با سوانح مرتبط دانست؛ به‌گونه‌ای که حتی در برخی موارد ساکنان روستا از سوانح محیطی آگاه‌اند، اما با این باور که برنامه‌ریزی و آماده‌سازی از وظایف دولت است و اقدامات دولتی برای رسیدگی و مقابله با سوانح طبیعی کافی است، ضرورتی برای انجام‌دادن اقدامات پیشگیرانه و آمادگی از سوی ساکنان احساس نمی‌شود (باسولو و همکاران، ۲۰۰۹)؛ به‌گونه‌ای که گاهی اتکای به همین اقدامات از سوی دولت برای مقابله با مخاطرات کافی به‌نظر می‌رسد و انتخاب راهکارهای تک‌گزینه‌ای^۱ یا حفظ وضع موجود^۲ از سوی آن‌ها سبب متحمل‌شدن خسارت‌های جبران‌ناپذیر هم برای خود ساکنان و هم دولت می‌شود (دفتر مدیریت ساحلی، ۲۰۱۶). همین ذهنیت و نگرش می‌تواند اثرهای منفی ناشی از سوانح طبیعی را دوچندان کند. در این مورد، می‌توان به ساخت خانه‌های روستایی در مسیل‌ها اشاره کرد. ولی در واقع سؤال اصلی این است که دولت تا چه اندازه موظف به حمایت از مردم محلی است و این حمایت در چه گام‌های زمانی مورد تأکید است؟

^۱. Single action

^۲. Status quo

جوامع روستایی در بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، نسبت به شهرها در مقابل این سوانح در معرض آسیب‌پذیری بیشتری هستند (چنچ و همکاران، ۲۰۱۵). اثرهای سوانح طبیعی بر روی روستاییان می‌تواند از طریق برنامه‌ریزی اضطراری و آمادگی محلی کاهش یابد که در این میان دولت محلی اقدامات مؤثری در برنامه‌ریزی برای خطرهای محیطی بر عهده دارد (کارتز و لیندل، ۱۹۹۰؛ باسولو و همکاران، ۲۰۰۹). به عبارت دیگر، اگر نگرش حمایت‌های دولتی با نگرشی توسعه‌محور در راستای پیشگیری از سوانح و افزایش آمادگی متمرکز شود، ضمن کاهش خسارت‌ها، می‌تواند بر افزایش و تداوم مشارکت مردم از هزینه‌های مدیریت سوانح بعد از رخداد نیز بکاهد، در غیر این صورت، افزایش حمایت‌های بدون شرط بعد از سوانح می‌تواند نتایج معکوس نظیر اتکای بیش از حد مردم محلی به این حمایت‌ها و عدم تمایل آن‌ها به اقدامات پیشگیرانه را به همراه داشته باشد.

در طی سی سال گذشته، بیش از ۲٫۵ میلیون نفر و تقریباً ۴ تریلیون دلار از تلفات و خسارات ناشی از سوانح طبیعی در سطح جهان است و این خسارات وارده در سطح جهان از ۵۰ میلیارد دلار در دهه ۱۹۸۰ به ۲۰۰ میلیارد دلار در دهه گذشته افزایش یافته است (بانک جهانی، ۲۰۱۹). در این میان، ایران یکی از کشورهای با احتمال آسیب‌پذیری بالا در مقابل سوانح طبیعی است و بر اساس گزارش رسمی ایران به سازمان ملل در خصوص کاهش خطر سوانح طبیعی از انواع چهل‌گانه سوانح طبیعی شناخته‌شده ۳۱ نوع آن در ایران وجود دارد (گزارش ملی ایران در مورد کاهش بلایا، ۲۰۰۵). به‌عنوان مثال، برآورد اولیه خسارات وقوع سیلاب در سال ۱۳۹۸ در استان خوزستان تا ۴۰ هزار میلیارد ریال و در استان خراسان شمالی تا ۴ هزار و ۸۰۸ میلیارد و ۵۳۴ میلیون ریال بوده است (سایت سازمان مدیریت بحران، ۱۳۹۸). بخش زیادی از هزینه‌های این خسارات وارده به مناطق آسیب‌دیده توسط دولت و در قالب حمایت‌های دولتی تأمین می‌شود که در صورت هدایت این هزینه‌ها و ترغیب مردم محلی به اقدامات پیشگیرانه می‌تواند تأثیر بسیاری در کاهش زمینه وقوع سوانح و پیامدهای منفی آن داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل و بررسی میزان تمایل جوامع روستایی شهرستان نیشابور به اقدامات پیشگیرانه و تأثیر اقدامات حمایتی دولت بعد از سوانح بر تمایل روستاییان به انجام‌دادن اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح طبیعی انجام گرفته است. در این راستا، پاسخ‌گویی به این سؤالات که جوامع محلی تا چه اندازه به حمایت‌های دولتی پس از وقوع سوانح طبیعی وابستگی دارند؟ یا اینکه وابستگی یا سطح انتظارات جوامع محلی از دولت تا چه اندازه در انگیزه آن‌ها به انجام‌دادن اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح تأثیر دارد از مهم‌ترین اهداف تحقیق است.

مبانی نظری

در خصوص موضوع حاضر تا کنون مطالعات داخلی مستقیم و قابل توجهی انجام نگرفته است. بنابراین، برخی از مطالعات خارجی در راستای این تحقیق بیانگر نتایج به شرح زیر بوده است:

آهرنس و رودولف (۲۰۰۶)، در پژوهش خود به اهمیت حکمروایی در کاهش خطر و مدیریت بحران اشاره کرده است. در این مطالعه بیان شده است که اگر ساختار حکومتی و سیاست‌ها به‌درستی طراحی شده باشد، می‌تواند تأثیر مهمی در کاهش اثرهای ناشی از سوانح داشته باشد. مسئولیت‌پذیری، مشارکت، پیش‌بینی‌پذیری، و شفافیت ویژگی‌های کلیدی ساختار حکمروایی است که می‌تواند در کاهش خطرها و اقدامات پیشگیرانه نقش مهمی ایفا نماید و جوامع را نیز به مشارکت در پیشگیری ترغیب کند.

نتایج پژوهش آرسناکس و استین (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که مردم دولت را مسئول اصلی وقوع سوانح طبیعی می‌دانند و بر آنند که دولت می‌تواند بیشترین تأثیر را در مدیریت خسارتهای ناشی از سوانح داشته باشد. همچنین، افرادی که

بیشترین خسارت را در برابر سیل متحمل شده‌اند، نسبت دولت را به دلیل عدم آمادگی در برابر سوانح سرزنش کنند. برای این منظور، مصاحبه با افرادی که سیل را تجربه کرده‌اند و افرادی که تجربه نکرده‌اند انجام گرفته است.

باسولو و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه خود به بررسی تأثیر اتکای مردم به دولت و آمادگی در برابر سوانح طبیعی پرداخته‌اند. در این پژوهش آمادگی ادراک‌شده و واقعی افراد در برابر دو نوع سوانح زمین‌لرزه و طوفان مورد توجه قرار گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر این مطلب است که سطح بالای اعتماد مردم به دولت محلی برای مدیریت و آمادگی در برابر سوانح طبیعی باعث می‌شود که مردم در زمینه اقدامات پیشگیرانه و آمادگی در برابر سوانح فعالیت خاصی انجام ندهند. از این رو، در این نواحی، زمین‌لرزه و طوفان خسارات جانی و مالی بسیاری برای مردم به وجود می‌آورد.

نتایج پژوهش چاملی رایت و استور (۲۰۱۰) بیانگر این است که انتظارات مردم از دولت در برابر سوانح طبیعی نقش مهمی در تعیین رفتار آن‌ها دارد. در واقع، مردم انتظار دارند که همه اقدامات مربوط به پیشگیری از وقوع سوانح و اقدامات بعد از وقوع سوانح را، که در قالب بازسازی است، دولت بر عهده بگیرد. به منظور سنجش موضوع مورد مطالعه از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است.

بنگ (۲۰۱۳) در پژوهش خود عامل اصلی مدیریت ریسک سوانح طبیعی در کامرون را قدرت‌بخشیدن به دولت محلی دانسته است. در این پژوهش اشاره شده است که عامل اصلی کاهش خطرناکی ناشی از سوانح حاکمیت محلی است و چون برنامه‌ریزی در سطح ملی بسیار متمرکز است، مدیریت ریسک در سطح محلی ناکارآمد است و خسارات وارده ناشی از سوانح بسیار شدید است. از این رو، در این کشور به منظور کاهش خسارات بر اقدامات پیشگیرانه تأکید اساسی می‌شود.

کلین (۲۰۱۸) در تحقیقی به مطالعه نقش حکمروایی در مدیریت مخاطرات طبیعی پرداخته است که بر اساس نتایج این مطالعه توصیفی- نظری، اقدامات گسترده از طریق برنامه‌های کاهش آسیب‌پذیری و بیمه مخاطرات از جمله مهم‌ترین اقداماتی است که دولت‌ها موظف به انجام‌دادن آن برای نواحی مخاطره‌خیزند.

عزیزپور و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان تحلیل مشارکت محلی در مدیریت مخاطره سیل در نواحی روستایی در روستاهای حوضه آبخیز رودخانه بشار شهرستان بویراحمد، با نگرش مدیریت مخاطرات طبیعی با تکیه بر رویکرد اجتماع‌محور (مشارکتی)، بر آن‌اند که باید جمعیت محلی آسیب‌دیده افرادی که توانایی عمل و مشارکت دارند مدنظر قرار گیرند نه افرادی که نیازمند کمک دولت‌اند. آن‌ها به این نتایج دست یافتند که خانوارهای روستایی بر اساس تجربه‌های شخصی نسبت به خطرهای سیل و احتمال وقوع آن در آینده آگاهی دارند و بر این اساس مایل‌اند بخشی از هزینه کاهش خطر سیلاب را به‌عنوان عمل مشارکت‌گرایانه برای بهره‌گیری از شیوه‌های نوین مدیریت سیلاب بپذیرند. همچنین، مشخص شد که گرایش جامعه مورد بررسی برای مشارکت در کاهش مخاطره سیل ارتباط تنگاتنگی با عوامل اقتصادی و اجتماعی، به‌خصوص وضعیت درآمد، سن جامعه، و سطح سواد، دارد و تصمیم‌گیری و رفتار آن‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به طوری که می‌توان گفت رفتار جامعه تابعی از عوامل اقتصادی و اجتماعی است.

در مجموع، می‌توان گفت بررسی مطالعات انجام‌گرفته نشان می‌دهد، در بیشتر مطالعات انجام‌گرفته، بیشتر بر اقدامات پیشگیرانه و نقش محوری دولت‌ها در زمینه تأمین هزینه‌های خسارات بعد از سوانح توجه شده است. اما در پژوهش حاضر نگارندگان بر آن‌اند که تأثیر حمایت‌های دولتی را بر وابستگی و عدم تمایل مردم برای اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح را، که در مطالعات بسیار محدودی به آن توجه شده، بررسی و تحلیل کنند.

در مناطق روستایی، سوانح تأثیرات منفی بسیاری در فرصت‌های معیشت و توانایی افراد برای مقابله با اضطراب بعد از سوانح می‌گذارد (داویس و همکاران، ۲۰۰۹). سوانح طبیعی در نواحی روستایی به از بین رفتن حیات انسان‌ها و حیوانات،

محصولات زراعی، بذره‌های ذخیره‌شده، مواد و تجهیزات کشاورزی، سیستم‌های عرضه آن (مانند زیرساخت‌ها)، و همچنین دانش بومی منجر می‌شود. بنابراین، نه تنها باعث اختلال در فصل رشد، بلکه در فصل‌های آینده نیز می‌شود (اسپرلینگ، ۲۰۰۸؛ مک‌گیور و اسپرلینگ، ۲۰۱۳). در این نواحی اتکای کشاورزان به منابع طبیعی و فقدان منابع درآمد و اشتغال جای‌گزین سبب تشدید آسیب‌پذیری این اقشار در برابر سوانح است (چاپاگیان و ایزادا، ۲۰۱۷؛ پاینوس و همکاران، ۱۹۹۳) و زنان و کودکان، کسانی که بیشترین مسئولیت کار مزرعه در کشورهای در حال توسعه را دارند، بیشتر تحت تأثیر استرس پس از وقوع سوانح طبیعی قرار می‌گیرند (کیرس و همکاران، ۲۰۱۲؛ اشرف و همکاران، ۲۰۱۳).

در این راستا، موضوع پیشگیری و آمادگی ریسک اساساً در زیرمجموعه مراحل پذیرفته‌شده جهانی مدیریت ریسک سوانح (مانند شناسایی و تجزیه و تحلیل ریسک، ارزیابی ریسک، نظارت، پیشگیری/ کاهش، آماده‌سازی در برابر سوانح، واکنش اضطراری، بازیابی بلندمدت، و ...) از اهمیت زیادی برخوردار است (جیگیاسو، ۲۰۰۴). از آنجا که جوامع روستایی، در مقایسه با مناطق شهری، به دلیل وضعیت اقتصادی نامناسب، توانایی تخصیص منابع مالی کمتری برای مقابله با سوانح یا بازسازی بعد از سوانح را دارا می‌باشند، توجه جدی به مدیریت ریسک مخاطرات در این نواحی دارای اهمیت بسیاری است (جانسن، ۲۰۰۶؛ کاپوسو و همکاران، ۲۰۱۳). تمرکز مدیریت ریسک مخاطرات برای کاهش خطرهای واقعی و بالقوه است (اوبرین و همکاران، ۲۰۰۶). بنابراین، در اقدامات پیشگیرانه در جهان ایده‌آل، اقدامات امدادی برای کمک‌رسانی بعد از سوانح منسوخ خواهد شد و اقدامات قبل از سوانح به‌منظور کاهش اثر سوانح صورت می‌گیرد که همین عامل هزینه‌های انسانی و اقتصادی سوانح طبیعی را کاهش خواهد داد (اسپرلینگ و سزکلی، ۲۰۰۵). در فرایند مدیریت ریسک مخاطرات، برخلاف دیدگاه‌های سنتی و منفعلانه، تمرکز بر کاهش سوانح و اثرهای آن با اقدامات پیشگیرانه و تقویت آمادگی است (دوناهو و همکاران، ۲۰۱۴).

به‌رغم تغییر رویکردهای جهانی از مدیریت منفعلانه و سنتی بحران به سوی مدیریت ریسک سوانح پیش از وقوع آن‌ها، در بسیاری از نواحی در حال توسعه همچنان تأکید بر شیوه‌های سنتی امدادسانی بعد از سوانح است که به واسطه ماهیت خود اقدامی کوتاه‌مدت است که زمینه آسیب‌پذیری جوامع روستایی را در برابر بحران‌ها تشدید می‌کند (سودا، ۲۰۰۰). از طرف دیگر، جوامع روستایی، در مقایسه با مناطق شهری، به دلیل شرایط اقتصادی نامناسب‌تر و منابع مالی کمتر، هنگام بازسازی و انجام‌دادن اقدامات بهبودی بعد از سوانح- که به منابع مالی زیادی نیاز دارد- با کمبود منابع و مشکلات عدیده‌ای مواجه شوند. از این رو، همین عوامل می‌تواند از دلایل نیاز به تغییر نگرش و تأکید بر اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح از سوی جوامع محلی روستایی باشد (جانسن، ۲۰۰۶).

در این تغییر و تکامل دیدگاه نگاه دولت‌گرا و تمرکزگرا که سعی دارد به تدوین و اجرای راهبردها از بالا به پایین اقدام کند، جای خود را به نگاه اجتماع‌محور و متکی بر جلب مشارکت‌های مردمی و اجتماعی داده است. رویکرد از بالا به پایین- ضمن اینکه در خود هزینه‌های زیادی را به دولت و جامعه تحمیل می‌کند- از اثربخشی کافی نیز برخوردار نیست. بنابراین، باید ضمن برنامه‌ریزی متمرکز برای مقابله با ریسک‌های مخاطرات، رویکردهای از پایین به بالا نیز به‌طور جدی در دستور کار قرار گیرد (رفعیان و مطهری، ۱۳۹۱). در رویکرد مدیریت ریسک اجتماع‌محور، هدف آماده‌سازی اجتماع محلی به مقابله با مخاطرات با افزایش تمایل به اقدامات پیشگیرانه و کاهش خطر است. جوامع به لحاظ آسیب‌پذیری و ظرفیت با هم تفاوت‌هایی دارند و بر این اساس تاب‌آوری جوامع مختلف در برابر بلایای طبیعی متفاوت است. برای تاب‌آوری اجتماعات محلی به روش‌های زیر تأکید شده است:

گنجاندن افزایش آمادگی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر بحران در سیاست‌های توسعه پایدار؛

بالا بردن ظرفیت محلی به‌منظور ایجاد تاب‌آوری در مقابل مخاطرات.

جای دادن کاهش خطر در طراحی و اجرای برنامه‌های اضطراری آمادگی، پاسخ، بازیافت، و نوسازی در جوامع متأثر از بلایای طبیعی (استراتژی بین‌المللی برای کاهش بلایا، ۲۰۰۵).

اما در رویکرد مدیریت ریسک اجتماع‌محور، افزایش تمایل اجتماعات محلی به مشارکت در اقدامات پیشگیرانه و کاهش خطر از اصول و محورهای مهم موفقیت می‌باشد. در این میان برای پیاده‌سازی و اجرای چنین رویکردی نیاز به زمینه‌سازی و حمایت‌های تعریف‌شده‌ای از سوی نهادهای دولتی و متولی است. به‌ویژه دولت‌ها به‌عنوان حکمروایی فضایی نقش قابل توجهی در ارتقا و ترویج تمایل به سوی اقدامات پیشگیرانه و آمادگی در بین جوامع محلی دارند. با وجود این، عدم جهت‌دهی مطلوب به ادراک اجتماعات محلی از نقش خود و وظایف دولت در بسیاری از اجتماعات سبب افزایش انتظارات جوامع محلی از سازمان‌ها و نهادهای دولتی و ممانعت از مشارکت چشم‌گیر آن‌ها در پیشگیری و آمادگی در برابر مخاطرات شده است. به‌ویژه در نواحی روستایی این مسئله با نارضایتی از شکاف و نابرابری اجتماعات و فقر وجهه‌شدیدتری به خود گرفته است.

نقش دولت‌ها در مدیریت مراحل مختلف سوانح

نظریه و رویکردهای بسیاری از حدود و دامنه‌ی مداخلات مطلوب دولت در امور مختلف نظیر اقتصاد، اجتماع، و بازار وجود دارد. در برخی از نظریه‌ها، اعتقاد به لزوم حضور تمام و عیار دولت در بخش‌های مختلف و در برخی تأکید بر نقش نظارتی و تصمیم‌گیرانه‌ی دولت برای کنترل امور مختلف مطرح می‌شود. دولت‌ها مسئول ارائه‌ی طیف وسیعی از خدمات هم در مطابقت با خواسته‌های جامعه برای آن خدمت هم مطابق با الزامات دولت مرکزی یا به صورت قانونی یا در قالب اختیارات خود هستند (یورک، ۲۰۰۷). معمولاً قدرت دولت از طریق قوانین و مقررات مجلس تعیین می‌شود (برفینگ، ۲۰۰۲). برخی قدرت‌ها «اجباری» و برخی دیگر «داوطلبانه» اند که این امکان را فراهم می‌آورند تا در صورت تمایل خدمات خود را ارائه دهند (مالالگودا و همکاران، ۲۰۱۰). در خصوص جایگاه و نقش دولت پنج رویکرد مطرح است که سه رویکرد آن رویکردهای حدی به نقش دولت و بیشتر در حوزه اقتصاد است (رویکردهای کلاسیکی، سوسیالیستی، و کینزی). یک رویکرد نقش دولت در کشورهای در حال توسعه است که با سه رهیافت لیبرال، وابستگی، و نئومارکسیستی همراه است و اما در عرصه عمل آنچه از نظر تاریخی در زمینه نقش دولت در این کشورها غالب بوده می‌بیند یک روند نقش فزاینده‌ی دولت سپس کاهش حجم دولت و سپس دخالت کارآمد دولت است و در نهایت یک رویکرد که از اواخر دهه ۹۰ و بر اساس یک فرایند همگرایی ایجاد شده به نحوه و حوزه دخالت دولت اشاره دارند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳).

در بحث مدیریت بحران نیز به رویکردی چندبخشی نیاز هست که شامل مشارکت سازمان‌های مختلف و گروه‌های اجتماعی می‌شود (های و آماراتونگا، ۲۰۱۰). در این میان، سازمان‌های دولتی در زمان وقوع سوانح نقش حیاتی ایفا می‌نمایند (مالالگودا و همکاران، ۲۰۱۰). به‌طور کلی، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، اداره مدیریت بحران ملی یا مدیریت وزارتخانه‌های مربوط به امور مدیریت بحران بر عهده دولت است. فعالیت‌ها و مسئولیت‌های عملکردی این مؤسسات دولتی غالباً متمرکز است یا اختیار و قدرت این مؤسسات به اندازه کافی به سطوح پایین‌تر از دستگاه‌های دولتی واگذار نشده است (متسیمبه، ۲۰۰۳). در بسیاری از کشورها، دولت مرکزی قدرت خود را در مورد برنامه‌های مدیریت بحران با تصمیم‌گیری متمرکز و منابع، که اغلب بر توسعه قابلیت‌های واکنش به جای اقدامات پیشگیرانه تمرکز دارد، حفظ می‌کند و اقدامات محلی برای مدیریت بحران اغلب اولویت کمتری دارد (اویتو و ساو، ۲۰۱۶). بر طبق یونیسدر (۲۰۱۰)، چهار نقش عمده برای دولت‌ها برای کاهش سوانح طبیعی مشخص شده است:

ایفای نقش مرکزی در هماهنگ کردن و تقویت برنامه‌های چندسطحی و جامع برای کاهش سوانح در یک منطقه یا برای سوانح خاص؛

درگیری مؤثر جوامع محلی و شهروندان در فعالیتهای کاهش سوانح و ارائه‌دهنده خدمات (مثل سیستم‌های هشداردهنده) و آموزش عمومی؛

تقویت ظرفیتهای نهادی خود و اجرای اقدامات کاهش سوانح؛

طراحی و اجرای ابزار و تکنیک‌های نوین برای کاهش سوانح طبیعی.

همان‌طور که مشخص است، دولت‌ها ضمن برخورداری از وظایف بسیار در زمینه پیشگیری و آمادگی در برابر سوانح، وظایف بسیاری در مرحله مواجهه و بعد از آن در حمایت از سوانح‌زدگان و بازسازی شرایط دارند که این اقدامات نیاز به منابع مالی و نهادی زیادی دارد. اقدامات بیان‌شده در گام‌های مختلف می‌تواند به دو صورت سازه‌ای و غیرسازه‌ای صورت پذیرد. در این رویکرد، برخی اقدامات با اتکای ابعاد سازه‌ای و فیزیکی و زیرساخت‌های ویژه کالبدی در کاهش ریسک و آسیب‌پذیری از مخاطرات تأثیرگذارند و برخی دیگر به‌عنوان اصلاح‌کننده‌های رفتاری و اقدامات مدیریتی می‌توانند در کاهش احتمال وقوع مخاطرات یا اثرها و نتایج آن تأثیرگذار باشند.

نگرش جوامع محلی به سوانح بر اساس انتظارات آن‌ها از دولت

ادراکات هر جامعه و هر فردی از ریسک تحت‌الشعاع عوامل بسیاری قرار دارد که برقرارکنندگان ارتباط در مدیریت ریسک را قادر می‌کند مکالمه یا کنش مؤثرتری با دامنه گسترده‌تری از مخاطبان و ذی‌نفعان داشته باشند. این ادراکات مختلف و نحوه شکل‌گیری آن‌ها پاسخی به این سؤال است که چرا مردم آنچه می‌خواهند را انجام می‌دهند؟ مردم اطلاعات را به دو شیوه فراوری و تحلیل می‌کنند: الف) تجربه و احساسات؛ ب) تحلیل و آنالیز منطقی. عوامل مؤثر بر ادراک از ریسک را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

آگاهی بیشتر درمورد ارزش‌ها و مفروضات ضمنی درگیر در تجارب تکنیکی

تحلیل‌های عینی متخصصان در رابطه با ریسک

عوامل فرهنگی نظیر سرنوشت‌گرایی و ارتباطات در یک اجتماع و برای افراد عادی

تجارب، احساسات، ارزش‌ها، و باورهای فردی

عملکرد نهادهای مسئول و حکمروایی.

ادراکات ریسک بر پایه هر عاملی باشد می‌تواند به رفتارهای زیر به‌عنوان میان‌برهای تصمیم‌گیری در برابر سوانح

منجر شود:

حفظ وضع موجود: کاری نکردن به علت سخت بودن اعمال تغییرات (مثلاً: ما باید وضعیت مسکن را ارتقا بدهیم ولی

تا کنون این کار را نکرده‌ایم.)

خوش‌بینی: فرض اینکه حوادث بد برای دیگران رخ می‌دهد نه شما (من مسکن را تخلیه نمی‌کنم چون فکر نمی‌کنم

طوفان آن قدر هم بد باشد. ما این شکل از این سیلاب‌ها را اینجا نداشته‌ایم.)

آرشیوی عمل کردن: این پیش‌زمینه که شما در حوادث قبلی تجربه‌ای بدتر از این را داشته‌اید (من در طوفان هاریکان

بوده‌ام و خانه‌ام دچار خسارت نشد. خانه من همیشه امن است.)

تأییدی: جمع کردن اطلاعات برای تأیید و اثبات آنچه شما باور دارید (چی؟ گرمایش جهانی؟ ما سردترین زمستانی

که امکان داشت امسال تجربه کردیم.)

تک‌اقدام: انجام‌دادن یک تغییر با این تفکر که برای حفاظت کافی است (خرید یک بخاری یا هیتر برای حفظ‌کردن ما از سرما کافی است). (فیچرف، ۲۰۱۳).

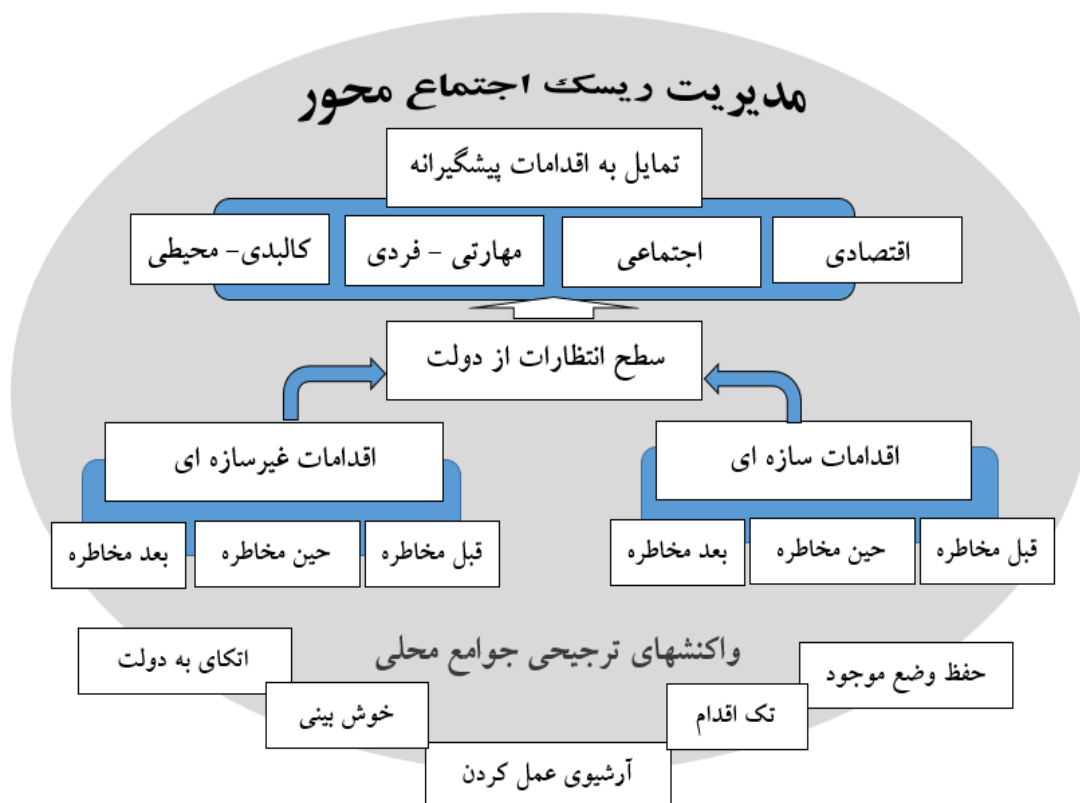
یکی از عوامل مؤثر در ادراک ریسک از سوانح و تمایل برای اقدامات پیشگیرانه در برابر آن، عملکرد نهادهای متولی در مدیریت ریسک و سطح انتظارات مردم محلی از آن است که می‌تواند به هر یک از میان‌برهای تصمیم‌گیری منجر شود. سطح انتظارات برای حمایت‌های مالی و اجرایی در زمان‌های مختلف پیش، حین، و بعد از سوانح سبب شکل‌گیری ادراکی از سوانح در بین مخاطبان و اتخاذ تصمیم‌های مختلف برای انتخاب راه‌های مقابله یا اتخاذ راهکاری منفعلانه و غیرمشارکتی می‌شود.

تأثیر حمایت‌های دولتی بر تغییر نگرش (وابستگی) و سطح انتظارات اجتماعات محلی

در جوامعی که دولت در همه سطوح برنامه‌ریزی و پاسخ‌گویی به سوانح مشارکت می‌کند و دولت محلی مسئولیت اصلی برای واکنش اضطراری در برابر سوانح ایفا می‌کند (اریکسون، ۱۹۹۹؛ باسولو و همکاران، ۲۰۰۹)، بیشتر مردم بر این باورند که «دولت باید مسئولیت مقابله با مشکلات ناشی از سوانح را بر عهده بگیرد» و به همین ترتیب انتظار دارند که دولت در برابر سوانح طبیعی آماده شود و واکنش نشان دهد (ارسینوکس و استین، ۲۰۰۶؛ نول، ۱۹۹۶). توافق گسترده‌ای میان اقتصاددانان وجود دارد که انتظارات بر رفتار و اعمال افراد تأثیر می‌گذارد (چاملی - رایت و استور، ۲۰۱۰)؛ به گونه‌ای که حتی اگر ساکنان محله از خطر زیست‌محیطی آگاه باشند، ممکن است بر این باور باشند که برنامه‌ریزی و آماده‌سازی دولت برای مدیریت سوانح کافی است و بنابراین ضرورتی برای اتخاذ اقدامات آمادگی در خانه احساس نکنند (باسولو و همکاران، ۲۰۰۹). به طور کلی، انتظاراتی که مردم از حمایت‌های دولتی برای سوانح دارند در بسیاری از موارد تحت تأثیر قوانین رسمی و غیررسمی کشور و شخصیت‌های مردم است (مانینگ، ۲۰۰۱). در جوامعی که عموم مردم تمایل دارند توانایی دولت برای پاسخ‌گویی به سوانح را بیش از آن چیزی که هست ارزیابی کنند (راسل و همکاران، ۱۹۹۵)؛ قطعاً انتظاراتشان از دولت برای مقابله با سوانح افزایش می‌یابد و به همان نسبت وابستگی این جوامع به حمایت‌های دولتی افزایش می‌یابد و به تبع اقدامات پیشگیرانه از سوی مردم کاهش می‌یابد و آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر سوانح بیشتر می‌شود. اما در جوامعی که افراد معتقدند دولت قادر به پیش‌بینی آن‌ها در برابر سوانح نیست، هزینه‌هایی از درآمد خود را برای اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح اختصاص می‌دهند که این عامل به کاهش آسیب‌پذیری این افراد در مقابل سوانح طبیعی منجر می‌شود (چاملی - رایت و استور، ۲۰۱۰).

به طور کلی، در بسیاری از جوامع افراد تمایل دارند که دولت را به دلیل آمادگی ناکافی در برابر سوانح طبیعی سرزنش کنند و دولت را مقصر اصلی خسارات ناشی از این سوانح می‌دانند (ولنسکی و میلر، ۱۹۸۱؛ ارسینوکس و استین، ۲۰۰۶). یکی از دلایلی که مردم دولت را مسئول وقوع سوانح طبیعی می‌دانند این است که همیشه دولت در هنگام آماده‌سازی و پاسخ‌گویی به این وقایع درگیر است. این دولت‌ها هستند که از سیستم‌های هشدار عمومی حمایت گسترده می‌کنند، سد می‌سازند، محدوده‌های مسیل را تعیین می‌کنند، قوانین و مقررات ساختمان‌سازی را ایجاد می‌کنند، و صاحبان املاک را به رعایت این مقررات و اقدامات پیشگیرانه مجبور می‌کنند و قوانین و مقررات وسیعی به منظور کاهش تلفات مالی و جانی ناشی از سوانح طبیعی تعیین می‌کنند. در نتیجه می‌توان گفت «سوانح طبیعی یک آزمایش عالی از عملکرد دولت است» (اسنیدر، ۱۹۹۰؛ ارسینوکس و استین، ۲۰۰۶). همه این موارد به ایجاد و افزایش انتظارات مردم از دولت، به تبع افزایش وابستگی مردم به دولت و عدم لزوم آمادگی در برابر سوانح طبیعی منجر می‌شود.

در مجموع، می‌توان گفت افرادی که تمایل دارند دولت را مسئول اصلی آمادگی در برابر سوانح طبیعی بدانند و اعتماد بیش از حد به توانایی دولت برای مقابله با اثرهای ناشی از سوانح دارند ممکن است وقت و منابع خود را در زمینه آمادگی و پیشگیری در برابر این سوانح سرمایه‌گذاری نکنند، زیرا این افراد بر آن‌اند که دولت توانایی لازم برای برنامه‌ریزی در برابر سوانح طبیعی را دارد (باسولو و همکاران، ۲۰۰۹). با توجه به دو رویکرد پایه این تحقیق، یعنی مدیریت ریسک اجتماع‌محور و رویکرد تمرکززدایی از وظایف دولت، می‌توان ارتباط شایان توجهی بین میزان حمایت‌های دولت در زمان سوانح، نوع نگرش، و ادراک جوامع محلی از ریسک و به تبع آن سطح انتظارات از دولت با میزان تمایل آن‌ها به اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح مشاهده کرد که در تحقیق حاضر به سنجش و تحلیل این ارتباط پرداخته شده است و بر این اساس مدل مفهومی تحقیق را می‌توان به شرح زیر طراحی و ارائه کرد (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش (نگارندگان، ۱۳۹۸)

روش پژوهش

این مطالعه از نظر روش توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی است. این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر انتظارات از دولت بر عدم تمایل روستاییان به اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح طبیعی در مناطق روستایی شهرستان نیشابور است که برای جمع‌آوری اطلاعات برحسب مقتضیات پژوهش از شیوه کتابخانه‌ای و میدانی از طریق پرسش‌نامه استفاده شده است. بر اساس بررسی نظری انجام‌گرفته، به شاخص‌بندی مؤلفه‌های موردنظر پرداخته شد (جدول‌های ۱ و ۲) که ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷۷ بیانگر پایایی مطلوب ابزار تحقیق است.

جدول ۱. شاخص‌های سطح انتظارات جوامع محلی درباره مداخله و نقش دولت در فرایند سوانح

نوع رویکرد	گام‌های زمانی	شاخص
سازه‌ای	قبل از وقوع سوانح	نوسازی مساکن و بافت‌های فرسوده ایجاد سد، بند، و سازه‌های کاهشی سیل ارائه وام به روستاییان فقیر برای ساخت مساکن با آسیب‌پذیری کمتر در برابر سوانح
	حین وقوع سوانح	تأمین ابزار و سازه‌های مورد نیاز برای آسیب‌دیدگان (ماشین‌آلات، وسایل مکانیکی، و ...) بازکردن سریع راه‌های ارتباطی برای کمک‌رسانی به مناطق آسیب‌دیده
	بعد از اتمام سوانح	بازسازی مساکن یا ساخت مساکن جدید ساخت زیرساخت‌های اضطراری نظیر راه و آب و برق و ... در کوتاه‌ترین زمان احیای مزارع کشاورزی ساخت و بازسازی مدارس و مکان‌های آموزشی آسیب‌دیده
غیرسازه‌ای	قبل از وقوع سوانح	ارائه وام و تسهیلات بلاعوض برای مقاوم‌سازی مسکن ایجاد قوانین اجباری برای منع ساخت‌وساز در مناطق خطرناک تعیین محدوده‌های سیل‌خیز ایجاد سیستم‌های هشدار عمومی
	حین وقوع سوانح	آموزش عمومی و ارتقای سطح آگاهی مردم برگزاری کلاس‌های آموزشی برای افزایش مهارت‌های مردم را برابر وقوع سوانح دارابودن یک برنامه ضدبحران به‌هنگام و جامع برای اجرا در مواقع ضروری
	بعد از اتمام سوانح	فرستادن نیروهای امداد رسانی در هنگام وقوع حادثه ارائه مواد غذایی و وسایل ضروری در هنگام وقوع سوانح نجات افراد زیر آوار مانده عدم دریافت وام‌های پرداخت‌شده قبلی
انتظارات روانی - ذهنی	تأمین هزینه و مخارج زیستی (خوراک، پوشاک، درمان، و تجهیزات زندگی) سانحه‌زدگان پرداخت خسارت‌های وارده به دارایی‌ها داشتن برنامه برای ایجاد اشتغال سرزدن به افرادی که از سوانح آسیب دیده‌اند احساس همدردی با افراد سانحه‌دیده	

جدول ۲. شاخص‌های تمایل به اقدامات پیشگیرانه توسط جوامع محلی

ابعاد	شاخص‌ها
اقتصادی	اختصاص بخشی از پس‌انداز به زمان اضطرار ایجاد تنوع درآمدی برای پیشگیری از وابستگی احتمالی بعد از سوانح
اجتماعی	بیمه مساکن در برابر سوانح بیمه‌کردن محصولات کشاورزی سعی در کسب آموزش و آگاهی از بهترین راه‌های مقابله با سوانح احتمالی توجه و رعایت قوانین محدودکننده در خصوص پهنه‌های خطر خیز و ...
مهارتی - فردی	تمایل به حضور و تشکیل گروه‌های امدادی خودجوش برای مشارکت و کمک به دیگران در زمان‌های بحران آگاهی از اقداماتی که در هنگام وقوع سوانحی مانند زلزله باید انجام داد توانایی استفاده از وسایلی مانند کپسول آتش‌نشانی و سیستم اطفای حریق در هنگام وقوع سوانح
کالبدی - محیطی	عدم ساخت مساکن در محدوده‌های خطر خیز تجهیز امکانات مقابله‌ای و آمادگی در منزل (کپسول آتش‌نشانی، سیستم اطفای حریق، چکش و ...) خودداری از هر اقدامی که می‌تواند به کاهش پوشش گیاهی منجر شود، مانند چرای بی‌رویه دام شخم‌زدن مزارع در جهت مخالف شیب زمین انجام‌دادن اقدامات لازم برای کاهش آسیب به مزارع، مانند زهکشی مناسب رعایت قوانین و استانداردهای ساخت‌وساز

مراحل عملیاتی سازی پژوهش

در گام بعدی، برای عملیاتی کردن متغیرها، شاخص‌ها و گویه‌های تبیین‌کننده هر متغیر بر اساس مطالعات پیشینه و موجود تعیین و مبنای طراحی و تدوین پرسش‌نامه به‌عنوان ابزار تحقیق قرار گرفت. سپس، به انتخاب منطقه مورد مطالعه و مشخص کردن جامعه آماری و جامعه نمونه اقدام شد (جدول ۳). در این پژوهش سطح تحلیل روستا و واحد تحلیل آن مشتمل بر خانوارهای روستایی است. فضل نام یکی از بخش‌های شهرستان نیشابور در استان خراسان رضوی است. نخست از طریق فرمول $N0=1, d225$ ، ۱۵ روستا برای مطالعه میدانی تعیین شد. فرمول به این صورت است:

$$N0=1, d225$$

d را می‌توان از ۰/۱ تا ۰/۲ گرفت که در این فرمول ۰/۲ گرفته شده است. سپس، از فرمول زیر تعداد روستاهای

نمونه به‌دست آمد (سجاسی قیداری و همکاران، ۲۰۱۷).

$$n = \frac{n0}{1 + n0/N}$$

سپس، با توجه به موقعیت روستاهای بخش که در مناطق سوانح‌خیز قرار گرفته‌اند روستاهای نمونه انتخاب شد. به

این ترتیب با توجه به تعداد خانوار این ۱۵ روستا، که ۲۸۴۴ است، و با استفاده از فرمول کوکران و ضریب خطای ۰/۰۷، تعداد ۱۸۰ پرسش‌نامه تعیین شد و در ادامه ۱۰ عدد به تعداد پرسش‌نامه روستاهایی که زیر ۱۰ تا بود افزوده شد و به این

ترتیب تعداد پرسش‌نامه‌ها به ۲۴۰ رسید. فرمول کوکران به صورت زیر است:

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

تعداد پرسش‌نامه به تفکیک هر روستا در جدول ۳ آمده است:

جدول ۳. پرسش‌نامه به تفکیک روستا

نام	خانوار	جمعیت	پرسش‌نامه
بوزان	۴۷۱	۱۳۷۱	۲۶
فرخک	۴۴۰	۱۴۶۹	۲۵
بشراپاد	۳۹۴	۱۲۱۲	۲۳
فوشنجان	۲۹۱	۸۷۸	۲۰
حمیدآباد	۲۸۶	۹۱۶	۲۰
بوژآباد	۲۰۵	۵۶۹	۱۷
ادگ	۱۵۳	۴۴۰	۱۵
دشت	۱۱۸	۳۰۵	۱۲
حصار	۹۵	۲۵۹	۱۲
سوقند	۸۴	۱۹۹	۱۲
رود	۷۷	۲۴۷	۱۲
غار	۷۳	۲۱۲	۱۲
دربهشت	۶۴	۱۹۶	۱۲
تحت منظر	۵۶	۱۶۰	۱۱
برف ریز	۳۷	۱۰۳	۱۱
مجموع	۲۸۴۴	۸۵۳۶	۲۴۰

منبع: سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

بحث و یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

اطلاعات توصیفی استخراج شده از پرسش‌نامه نشان می‌دهد که سن ۵۳/۳ درصد پاسخ‌گویان بین ۳۱ تا ۴۰ سال بوده که ۳۵/۸ درصد دارای سطح تحصیلات دیپلم و ۳۰ درصد دارای شغل زراعت‌اند. همچنین، بر اساس جدول ۴ می‌توان گفت که ۸۶ درصد پاسخ‌گویان سوانح را تجربه کرده‌اند که ۶۰ درصد آن‌ها از کمک‌های دولتی استفاده نکرده و ۴۰ درصد از این کمک‌ها استفاده کرده‌اند که بیشتر این کمک‌ها در قالب دریافت وام بوده است.

جدول ۴. یافته‌های توصیفی تحقیق

بله		خیر		مؤلفه
تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۳۳	۱۴	۲۰۷	۸۶	تجربه سوانح
۱۴۴	۶۰	۹۶	۴۰	دریافت کمک از دولت
۱۶۸	۷۰	۷۲	۳۰	دریافت وام حمایتی بعد از سوانح از دولت

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

در تحلیل نوع واکنش‌ها و دیدگاه ترجیحی روستاییان برای مقابله با سوانح، همان‌طور که در جدول ۵ ارائه شده است، دیدگاه حفظ وضع موجود با ۶۳/۲ درصد نسبت به سایر دیدگاه‌ها غالب است. به این معنی که ۶۳/۲ درصد پاسخ‌گویان اذعان کرده‌اند که وقتی به سختی انجام دادن تغییرات و اقدامات پیشگیرانه فکر می‌کنند کاری انجام نمی‌دهند. همچنین، دیدگاه وابستگی به اقدامات دولتی با ۳۰/۵ درصد در رده دوم قرار گرفته است. در واقع، ۳۰/۵ درصد از پاسخ‌گویان مسئولیت مقابله با سوانح را بر عهده دولت دانسته‌اند و بر آن‌اند که برنامه‌ریزی و آماده‌سازی دولت برای مدیریت سوانح کفایت می‌کند و ضرورتی ندارد که اقدامات پیشگیرانه انجام دهند. در واقع، می‌توان گفت این انتظار از دولت به وابستگی جوامع محلی به اقدامات دولت برای مقابله با سوانح طبیعی منجر شده و به تبع در عدم تمایل آن‌ها برای انجام دادن اقدامات پیشگیرانه تأثیر بسزایی دارد.

جدول ۵. نوع واکنش‌ها و ترجیحات واکنشی روستاییان در برابر سوانح

نوع واکنش‌های ترجیحی	درصد	فراوانی
حفظ وضع موجود	۶۳/۲	۱۵۱
خوش‌بینی	۱/۳	۳
آرشیوی عمل کردن	۲/۹	۷
تک‌اقدام	۱/۷	۴
وابستگی به اقدامات دولتی	۳۰/۵	۷۲
مجموع	۱۰۰	۲۴۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

یافته‌های تحلیلی

مقایسه میانگین ابعاد متغیر تمایل به اقدامات پیشگیرانه و سطح انتظارات از دولت در بین روستاییان با توجه به تحلیل داده‌ها، نتایج آزمون مقایسه میانگین متغیرهای چهارگانه تمایل به اقدامات پیشگیرانه بیانگر آن است که میانگین همه این متغیرها کمتر از حد متوسط یعنی ارزش ۳ است. و بدان معناست که تمایل به اقدامات پیشگیرانه در

همه این ابعاد در میان روستاییان ارجحیت ندارد. همان طور که در جدول مشخص است، به منظور سنجش تمایل به اقدامات پیشگیرانه از چهار بُعد استفاده شده است. بنابراین، با توجه به جدول باید اشاره کرد که روستاییان تمایلی به تعمیر و ارتقای ایمنی مسکن خود نداشته‌اند و همچنین برای پیشگیری از وابستگی اقتصادی بعد از مخاطره تمایلی به کسب درآمد متنوع ندارند که این موارد در زیرمجموعه بُعد اقتصادی سنجش شده است. نتایج بُعد اجتماعی این گونه است که روستاییان تمایلی به بیمه مسکن و مزارع کشاورزی خود ندارند، تمایلی به افزایش مهارت‌های خود در زمینه راه‌های مقابله با سوانح ندارند و به قوانین محدودکننده در خصوص پهنه‌های خطر خیز مانند مسیل‌ها توجه ندارند. در زمینه بُعد فردی-مهارتی نیز مردم اذعان کرده‌اند که هنگام وقوع مخاطره نمی‌توانند از وسایلی مانند کپسول آتش‌نشانی و سیستم اطفای حریق استفاده کنند و همچنین اقدامات امدادی نظیر درمان جراحات و آرامش‌بخشی را که در هنگام وقوع مخاطرات باید انجام داد نمی‌دانند. در بُعد کالبدی-زیرساختی نیز مردم اشاره کرده‌اند که تجهیزات لازم برای مقابله با مخاطرات (مثل کپسول آتش‌نشانی و جعبه کمک‌های اولیه) را در منزل خود ندارند و از هر اقدامی که می‌تواند به کاهش پوشش گیاهی منجر شود، مانند چرای بی‌رویه دام خودداری نمی‌کنند، قوانین و استانداردهای ساخت‌وساز را رعایت نمی‌کنند. اما آنجایی که سطح معناداری همه شاخص‌ها زیر ۰/۰۵ است می‌توان این گونه استدلال کرد که همه این ابعاد به‌عنوان سازه‌های متغیر متمایل به اقدامات پیشگیرانه معنادار است (جدول ۶).

جدول ۶. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای شاخص‌های تمایل به اقدامات پیشگیرانه توسط جوامع محلی

آماره تی	درجه آزادی	میانگین	سطح معناداری	تفاوت با میانگین	ضریب اطمینان ۹۵ درصد
				پایین تر	بالا تر
۱۱,۹۴۶	۲۳۹	۲,۳۳۴۷	۰,۰۰	-۰,۶۶۵۲۸	-۰,۷۷۵۰
۹,۳۴۷	۲۳۹	۲,۵۷۳۳	۰,۰۰	-۰,۴۲۶۶۷	-۰,۳۳۶۷
۹,۲۴۳	۲۳۹	۲,۴۲۹۲	۰,۰۰	-۰,۵۷۰۸۳	-۰,۴۴۹۲
۹,۵۹۵	۲۳۹	۲,۴۵۱۹	۰,۰۰	-۰,۵۴۸۱۵	-۰,۴۳۵۶

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

همین طور، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، از آنجا که سطح معناداری همه شاخص‌ها زیر ۰/۰۵ است و میانگین همه شاخص‌ها از ۳ بیشتر است، باید اذعان کرد که میزان انتظارات روستاییان از دولت در برابر سوانح بسیار بالاست. در واقع، به این معنی است که روستاییان بر آن‌اند که دولت باید بخش عمده‌ای از اقدامات پیشگیرانه را در برابر سوانح انجام دهد. به‌طور کلی، این انتظارات در هر دو بخش سازه‌ای و غیرسازه‌ای و همچنین در بازه‌های زمانی قبل، حین، و بعد از وقوع سوانح وجود دارد (جدول ۷). در واقع، مواردی که در بخش سازه‌ای مورد توجه قرار گرفته‌اند شامل اقداماتی از قبیل نوسازی مسکن فرسوده، ایجاد سد و بند توسط دولت، تأمین زیرساخت‌های ارتباطی و جاده‌ای مطلوب برای زمان وقوع مخاطره، و به‌سازی قنات‌ها و لایروبی آن‌ها و اقدامات غیرسازه‌ای شامل ارائه وام برای مقاوم‌سازی مسکن، داشتن یک برنامه ضدبحران جامع در مواقع اضطراری، ایجاد قوانین اجباری برای منع ساخت‌وساز در مناطق حادثه‌خیز، تعیین محدوده‌های مخاطره‌خیز، و ... است. مردم بر آن‌اند که همه این اقدامات را باید دولت انجام دهد و هیچ مسئولیتی به عهده آن‌ها نیست.

جدول ۷. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای شاخص‌های سطح انتظارات توسط جوامع محلی

آماره تی	درجه آزادی	میانگین	سطح معناداری	تفاوت با میانگین	ضریب اطمینان ۹۵ درصد	پایین تر	بالا تر
۴۰/۴۶۳-	۲۳۹	۴/۵۹۵۸	۰/۰۰	-۰/۴۰۴۱۷	-۰/۳۳۵۸	-۰/۴۷۲۵	-۰/۳۳۵۸
۵۰/۳۵۷-	۲۳۹	۴/۳۷۷۸	۰/۰۰	-۰/۶۲۲۲۲	-۰/۵۵۸۸	-۰/۶۸۵۷	-۰/۵۵۸۸
۶۳/۸۶۶-	۲۳۹	۴/۴۵۸۳	۰/۰۰	-۰/۵۴۱۶۷	-۰/۴۹۴۱	-۰/۵۸۹۲	-۰/۴۹۴۱
۵۳/۷۲۶-	۲۳۹	۴/۴۰۵۷	۰/۰۰	-۰/۵۹۴۲۷	-۰/۵۳۵۸	-۰/۶۵۲۷	-۰/۵۳۵۸
۴۶/۷۳۵-	۲۳۹	۴/۴۶۰۴	۰/۰۰	-۰/۵۳۹۵۸	-۰/۴۷۴۷	-۰/۶۰۴۵	-۰/۴۷۴۷
۳۷/۴۳۴-	۲۳۹	۴/۶۶۶۷	۰/۰۰	-۰/۳۳۳۳۳	-۰/۲۶۳۲	-۰/۴۰۳۵	-۰/۲۶۳۲

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

تحلیل رابطه بین سطح انتظارات از دولت و تمایل به اقدامات پیشگیرانه در جوامع محلی

در گام بعد، با توجه به نرمال بودن داده‌ها، از آزمون همبستگی پیرسون برای تبیین رابطه سطح انتظارات از دولت و میزان تمایل جوامع محلی به اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح طبیعی (سیل) استفاده شده است. در این آزمون، میزان انتظارات روستاییان از دولت به‌عنوان متغیر مستقل و عدم تمایل روستاییان به اقدامات پیشگیرانه به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. بر اساس نتایج آزمون، می‌توان گفت از آنجا که سطح معناداری بین انتظارات روستاییان از دولت و عدم تمایل جوامع محلی به اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح طبیعی کمتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده، بین دو متغیر نام‌برده همبستگی و ارتباط معنادار وجود دارد (جدول ۸). در واقع، می‌توان گفت از آنجا که روستاییان از سطح انتظارات بالایی نسبت به دولت برای اقدامات پیشگیرانه و واکنشی و بازسازی برخوردارند، تلاش کمتری برای مقابله با سوانح می‌کنند و تمایل کمتری به اقدامات پیشگیرانه دارند. این دیدگاه سبب بروز وابستگی بیشتر و غلبه نگاه‌های تک‌بعدی در ترجیحات واکنشی روستاییان به سوانح می‌شود.

جدول ۸. نتایج همبستگی بین سطح انتظارات از دولت با تمایل به اقدامات پیشگیرانه در بین روستاییان

انتظارات از دولت	اقدامات پیشگیرانه
۱	۰/۳۳۸**
۲۴۰	۰/۰۰
۲۴۰	۲۴۰

**همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

در گام بعد، اقدام به تحلیل رابطه بین ویژگی‌های فردی نظیر سن و تحصیلات با انتظارات از دولت و تمایل به اقدامات پیشگیرانه از طریق آزمون همبستگی شد. با توجه به اینکه سطح معناداری بین سن و اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح طبیعی کمتر از آلفا ۰/۰۵ به‌دست آمده، بین دو متغیر نام‌برده همبستگی و ارتباط معنادار وجود دارد. با افزایش سن تمایل به اقدامات پیشگیرانه در بین روستاییان کاهش می‌یابد. همچنین، سطح معناداری بین تحصیلات و اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح طبیعی کمتر از آلفا ۰/۰۵ به‌دست آمده. از این رو، بین دو متغیر همبستگی و ارتباط معنادار وجود دارد. شایان توجه است که نتایج آزمون همبستگی بین دو ویژگی سن و سطح تحصیلات با انتظارات از دولت در هیچ کدام معنادار نبود که به معنای فقدان ارتباط بین سطح تحصیلات با سطح انتظارات از دولت است.

جدول ۹. نتایج آزمون همبستگی بین ویژگی‌های فردی (سن و تحصیلات) با متغیرهای سطح انتظار از دولت و تمایل به اقدامات پیشگیرانه در بین روستاییان

تحصیلات	سن		
۰/۱۰۱	۰/۰۸۲	همبستگی پیرسون	انتظارات از دولت
۰/۱۱۷	۰/۲۰۴	سطح معناداری	
۲۴۰	۲۴۰	تعداد	
**۰/۴۸۷	**۰/۱۷۵	همبستگی پیرسون	اقدامات پیشگیرانه
۰/۰۰	۰/۰۰۴	سطح معناداری	
۲۴۰	۲۴۰	تعداد	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

تحلیل رابطه بین تمایل به اقدامات پیشگیرانه با سابقه دریافت حمایت‌های دولتی

برای مقایسه میزان تمایل به اقدامات پیشگیرانه در دو گروه نمونه‌هایی که وام و حمایت‌های دولتی دریافت کرده‌اند با گروهی که از این حمایت‌ها برخوردار نبوده‌اند از آزمون یومن ویتنی استفاده شد. همان‌طور که در نتایج آزمون مشخص است، ۱۹ نفر از حمایت‌های دولتی استفاده کرده‌اند و ۲۱۸ نفر از افراد نمونه از حمایت‌های دولتی استفاده نکرده‌اند که میانگین تمایل به اقدامات پیشگیرانه در گروه برخوردار از حمایت‌ها کمتر از گروه عدم برخوردار از حمایت‌ها بوده است. جدول‌های ۱۰ و ۱۱ بیانگر این مطلب است گروه‌هایی که حمایت‌های دولتی از قبیل وام دریافت کرده‌اند تمایل کمتری به اقدامات پیشگیرانه داشته‌اند.

جدول ۱۰. اطلاعات توصیفی داده‌ها

جمع	میانگین	تعداد	حمایت دولتی
۳۶۸۵/۰۰	۱۱۲/۴۷	۱۹	دریافت حمایت دولتی
۲۴۵۱۸/۰۰	۱۹۳/۹۵	۲۱۸	عدم دریافت حمایت دولتی
		۲۳۷	جمع

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

جدول ۱۱. میزان سطح معناداری محاسبه‌شده در آزمون یومن ویتنی

۶۴۷/۰۰	یومن ویتنی
۲۴۵۱۸/۰۰	ویلکاکسون
-۴/۹۷۷	Z آماره
۰/۰۰	سطح معناداری

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

سنجش میزان تأثیر سطح انتظارات از دولت در تمایل به اقدامات پیشگیرانه در جوامع محلی

برای این منظور، از آزمون رگرسیون خطی استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۱۲ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی معادل ۰/۳۸۸ و ضریب تعیین تعدیل‌شده معادل ۰/۱۴۷ میان دو متغیر انتظارات روستاییان از دولت و عدم تمایل جوامع محلی به اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح طبیعی است. بدین ترتیب، با استناد به ضریب همبستگی می‌توان استنباط کرد که انتظارات روستاییان از دولت ۳۸ درصد از متغیر تمایل جوامع محلی به اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح طبیعی را تبیین می‌کند.

جدول ۱۲. نتایج آزمون رگرسیون خطی

خلاصه مدل				
مدل	ضریب آر	آر اسکوار	ضریب آر تعدیل شده	انحراف معیار از خطای تخمین زده
۱	^a ۰٫۳۸۸	۰٫۱۵۱	۰٫۱۴۷	۰٫۵۴۸۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

بر اساس نتایج حاصل از جدول‌های ۱۳ و ۱۴، از آنجا که سطح معناداری محاسبه شده کوچک‌تر از آلفا ۰٫۰۵ است، رابطه خطی معناداری بین دو متغیر انتظارات روستاییان از دولت و عدم تمایل جوامع محلی به اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح طبیعی وجود دارد و حدود ۳۸ درصد از متغیر میزان تمایل جوامع محلی به انجام دادن اقدامات پیشگیرانه تحت‌الشعاع سطح انتظارات ایجاد شده در مردم محلی از دولت برای اجرای امور مختلف پیشگیرانه، واکنشی، و بازسازی قرار دارد.

جدول ۱۳. نتایج آزمون رگرسیون خطی

آنوا a					
مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذور	ضریب f	سطح معناداری
رگرسیون	^a ۱۲٫۶۹۵	۱	۱۲٫۶۹۵	۴۲٫۲۷۳	^b ۰٫۰۰
باقی‌مانده	۷۱٫۴۷۲	۲۳۸	۰٫۳۰۰		
مجموع	۸۴٫۱۶۶	۲۳۹			

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

جدول ۱۴. نتایج آزمون رگرسیون خطی

مدل	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد		سطح معناداری
		بی B	خطای انحراف از معیار	
مقدار ثابت	۱٫۴۹۸	۰٫۱۵۰	۹٫۹۷۶	۰٫۰۰
انتظارات از دولت	۰٫۶۳۵	۰٫۰۹۸	۶٫۵۰۲	۰٫۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

تحلیل رابطه بین واکنش‌های ترجیحی توسط روستاییان و میزان تمایل به اقدامات پیشگیرانه در آن‌ها در این بخش نمونه‌ها بر اساس واکنش‌های ترجیحی ادراک شده به پنج گروه تقسیم شده‌اند که سعی شده است با آزمون کروسکال والیس میانگین متغیر تمایل به اقدامات پیشگیرانه افراد در هر گروه با سایر گروه‌ها مقایسه شود. بر این اساس، بیشترین واکنش ترجیحی ادراک شده مربوط به دو نوع واکنش حفظ وضع موجود با تعداد ۱۵۱ نفر و میانگین رتبه‌ای ۱۲۴٫۶۵ و وابستگی به دولت با تعداد ۷۳ نفر و میانگین رتبه‌ای ۹۶٫۰۵ است. ۱۵۱ نفر از پاسخ‌گویان اذعان کرده‌اند که وقتی به سختی انجام دادن تغییرات و اقدامات پیشگیرانه فکر می‌کنم کاری انجام نمی‌دهم (حفظ وضع موجود) و ۷۳ نفر از پاسخ‌گویان مسئولیت مقابله با سوانح را برعهده دولت دانسته‌اند و بر آن‌اند که برنامه‌ریزی و آماده‌سازی دولت برای مدیریت سوانح کفایت می‌کند و ضرورتی ندارد که اقدامات پیشگیرانه انجام دهند (وابستگی به اقدامات دولتی). بر این اساس، می‌توان اذعان کرد گروهی که نگرش ترجیحی آن‌ها اتکای به اقدامات دولت بوده است کمترین میانگین رتبه‌ای را در تمایل به اقدامات پیشگیرانه دارا بوده‌اند. و برعکس گروهی که دارای رویه اقدام آرشویی عمل کردن بوده‌اند (۷ نفر)

با اتکای به مستندات و اطلاعات مواجهات گذشته منطقه با سوانح بیشترین میانگین تمایل به اقدامات پیشگیرانه (۲۱۹) را دارا بوده‌اند.

جدول ۱۵. اطلاعات توصیفی داده‌ها

میانگین	تعداد	واکنش‌های ترجیحی
۱۲۴٫۶۵	۱۵۱	حفظ وضع موجود
۱۷۹٫۰۰	۳	خوش‌بینی
۲۱۹٫۰۰	۷	آرشیوی عمل کردن
۱۳۴٫۲۵	۴	تک‌اقدام
۹۶٫۰۵	۷۳	وابستگی به اقدامات دولتی
	۲۳۸	جمع

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

در جدول ۱۶ سطح معناداری ارتباط بین انواع واکنش‌های ادراکی در مقابل سوانح و تمایل به اقدامات پیشگیرانه از طریق آزمون کروسکال-والیس بررسی شده است. همان‌طور که مشخص است، سطح معناداری (Sig) کمتر از آلفا ۰٫۰۵ شده است. بنابراین، می‌توان گفت بین واکنش ادراکی افراد در مقابل سوانح و تمایل آن‌ها برای اقدامات پیشگیرانه ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۱۶. میزان سطح معناداری محاسبه‌شده بر اساس آزمون کروسکال-والیس

تمایل به اقدامات پیشگیرانه	
۲۶٫۴۴۰	کای اسکوار
۴	درجه آزادی
۰٫۰۰	سطح معناداری

آزمون کروسکال-والیس
متغیر گروهی b: واکنش‌های ادراکی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

نتیجه‌گیری

براساس نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه حاضر، در منطقه مورد مطالعه نیز نظیر بسیاری از اجتماعات روستایی، اتکا و وابستگی به دولت و سطح انتظارات بالای مردم از دولت در زمینه اقدامات مدیریت سوانح سبب شده است که تمایل و مشارکت آن‌ها برای اجرای اقدامات پیشگیرانه به‌طور چشم‌گیری کاهش یابد. نتایج مطالعه حاضر نیز در چند مورد قابل توجه است. در روستاهای شهرستان نیشابور تمایل به اقدامات پیشگیرانه در مقابل مخاطرات فضا، به‌ویژه سیلاب، به‌عنوان مخاطره غالب، در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فردی-مهارتی، و کالبدی-زیرساختی پایین‌تر از سطح متوسط و در سطح پایینی است. درواقع، روستاییان در مناطق مورد مطالعه تمایلی به انجام دادن اقدامات پیشگیرانه از جمله بیمه مسکن و مزارع کشاورزی، کسب مهارت‌های لازم برای مقاله با سوانح، تعمیر یا ارتقای ایمنی مسکن، توجه به قوانین محدودکننده در خصوص پهنه‌های خطرخیز، رعایت قوانین و استانداردهای ساخت‌وساز و داشتن تجهیزات لازم برای مقابله با مخاطرات (مثل کپسول آتش‌نشانی، جعبه کمک‌های اولیه و ...) ندارند. سطح انتظارات روستاییان از دولت در برابر این سانحه بیانگر این مورد است که میزان این انتظارات در هر دو بخش سازه‌ای و غیرسازه‌ای و همچنین در بازه‌های زمانی قبل، حین، و بعد از وقوع سوانح بسیار بالاست. بنابراین، می‌توان گفت مردم انتظار دارند که نوسازی

مساکن، ایجاد سد و بندهای کاهشی سیل، تأمین زیرساخت‌های ارتباطی مطلوب برای زمان وقوع مخاطره، و به‌سازی قنات‌های روستا را دولت باید انجام دهد. به همین ترتیب، نتایج آزمون همبستگی پیرسون بیانگر وجود رابطه معنادار بین دو متغیر انتظارات روستاییان از دولت و عدم تمایل جوامع محلی به اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح طبیعی است. از طرفی، نتایج نیز تأثیرگذاری متغیر انتظارات روستاییان از دولت را بر عدم تمایل جوامع محلی به اقدامات پیشگیرانه در برابر سوانح طبیعی تأیید می‌نماید. به عبارتی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که وابستگی و انتظارات روستاییان مناطق مورد مطالعه از دولت درمورد اقدامات پیشگیرانه به‌طور مستقیم بر عدم تمایل روستاییان برای انجام‌دادن اقدامات پیشگیرانه تأثیر دارد. شاید این سطح انتظار از دولت در خصوص مدیریت اثر سوانح را بتوان تا حد زیادی ناشی از مدیریت نادرست زمانی فرایند مدیریت سوانح توسط نهادهای دولتی و متولیان مدیریت بحران دانست؛ به‌گونه‌ای که اگر هزینه‌های بازسازی و احیای آسیب‌ها به سوی اقدامات پیشگیرانه مشارکتی سوق داده شود، بتوان ضمن افزایش آمادگی مواجهه اجتماعات محلی برای رویارویی با اثر سوانح و کاهش آسیب‌ها، سطح انتظارات و دیدگاه آن‌ها نسبت به وظایف دولت و دامنه این وظایف را شفاف‌تر کرد. گرچه نباید از توانایی مالی اندک روستاییان در زمینه اقدامات پیشگیرانه و جایگاه اهرم‌های نظارتی غافل بود.

نکته درخور تأمل دیگر، تمایل بیشتر به اقدامات پیشگیرانه در میان روستاییانی است که دیدگاه یا واکنش ترجیحی آن‌ها به سوانح بر اساس مستندات یا نتایج تجارب گذشته منطقه از مخاطرات است. با توجه به وقوع مکرر مخاطره سیلاب و مشاهده و انتقال روایی- شفاهی و نتایج و پیامدهای باقی‌مانده از مخاطره به این گروه از روستاییان، آمادگی و تمایل آن‌ها به انجام‌دادن اقدامات پیشگیرانه بیش از سایرین است.

نتایج به‌دست‌آمده همسو با نتایج پژوهش انجام‌شده توسط چاملی-رایت و استور (۲۰۱۰) و باسولو و همکاران (۲۰۰۹) بیانگر این است مردم اغلب دولت را مسئول مدیریت و سازمان‌دهی نتایج سوانح می‌دانند و بر آن‌اند که اقدامات دولتی برای مقابله با سوانح کافی است. این سطح اعتماد بالا به اقدامات دولتی منجر می‌شود مردم در برابر سوانح اقدامات پیشگیرانه انجام ندهند. از سویی، مطابق با نتایج مطالعه کلین (۲۰۱۸)، بخشی از این انتظار برای تأمین خدمات بیمه و برنامه‌های کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی از سوی دولت است. در نهایت، می‌توان به پیشنهادها زیر برای افزایش تمایل جوامع محلی برای اقدامات پیشگیرانه در راستای کاهش وابستگی مردم به اقدامات دولتی اشاره کرد:

دریافت بخش محدودی از هزینه‌های مربوط به ایجاد سازه‌هایی که به دست دولت در روستا ساخته می‌شود، از قبیل بند و سایر سازه‌های کاهشی سیل از مردم؛

تشویق مردم به انجام‌دادن اقدامات پیشگیرانه و آمادگی در برابر سوانح طبیعی، مانند ساخت خانه‌های مقاوم در برابر سیل و عدم ساخت مساکن در مسیل‌ها؛

وجود قوانین سخت و جدی از قبیل جریمه نقدی و عدم ارائه خدمات (آب و برق و ...) برای افرادی که مساکن خود را در مناطق خطر خیز ساخته‌اند؛

افزایش آگاهی مردم در زمینه اقدامات پیشگیرانه و آمادگی در برابر سوانح طبیعی از قبیل برگزاری کلاس‌های آموزشی در روستاها؛

تشکیل گروه‌های داوطلبانه و بسیجی از جوامع محلی با مدیریت دهیاری‌ها و آموزش آن‌ها برای مواقع اضطراری به‌منظور انجام‌دادن واکنش سریع توسط سازمان مدیریت بحران؛

ایجاد صندوق‌هایی توسط مردم محلی (که توانایی مالی لازم دارند) به‌منظور جمع‌آوری هزینه‌هایی برای کمک به افرادی که توانایی مالی مناسبی ندارند تا مساکن خود را در مقابل سیل مقاوم بسازند.

منابع

۱. سایت سازمان مدیریت بحران، ۱۳۹۸، www.ndmo.ir
۲. رفیعیان، مجتبی و مطهری، زینب‌السادات، ۱۳۹۱، طراحی مدلی برای مطالعه رویکرد مدیریت ریسک بحران اجتماع محور مطالعه موردی: طرح دوام (داوطلبین واکنش اضطراری محلات)، دو فصل‌نامه علمی- پژوهشی مدیریت بحران، ش ۵، صص ۵-۱۲.
۳. دفتر پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳، مبنای نظری دخالت دولت در اقتصاد معاونت برنامه و بودجه، معاونت پژوهشی، تهران.
۴. عزیزپور، فرهاد؛ حمیدی، محمدسعید و چابک، جمشید، ۱۳۹۴، تحلیل مشارکت محلی در مدیریت مخاطره سیل در نواحی روستایی مورد مطالعه: روستاهای حوضه آبخیز رودخانه بشار شهرستان بویراحمد، تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، س ۲، ش ۴، صص ۷۷-۹۴.
5. Ahrens, J. and Rudolph, P. M., 2006, The importance of governance in risk reduction and disaster management. *Journal of contingencies and crisis management*, Vol. 14, No. 4, pp. 207-220. <https://doi.org/10.1111/j.1468-5973.2006.00497.x>
6. Aini, M. S. and Fakhrul-Razi, A., 2010, Development of socio-technical disaster model. *Safety science*. Vol. 48, No. 10, pp. 1286-1295. <https://doi.org/10.1016/j.ssci.2010.04.007>
7. Arceneaux, K. and Stein, R. M., 2006, Who is held responsible when disaster strikes? The attribution of responsibility for a natural disaster in an urban election. *Journal of Urban Affairs*. Vol. 28, No. 1, pp. 43-53. <https://doi.org/10.1111/j.0735-2166.2006.00258.x>
8. Ashraf, S.; Iftikhar, M.; Shahbaz, B.; Khan, G. A. and Luqman, M., 2013, Impacts of flood on livelihoods and food security of rural communities: a case study of southern Punjab, Pakistan. *Pakistan Journal of Agricultural Sciences*. Vol. 50, No. 4, pp. 751-758.
9. Bang, H. N., 2013, Governance of disaster risk reduction in Cameroon: The need to empower local government. Jambá: *Journal of Disaster Risk Studies*. Vol. 5, No. 2, pp.1-10. <http://dx.doi.org/10.4102/jamba.v5i2.77>
10. Basolo, V.; Steinberg, L. J.; Burby, R. J.; Levine, J.; Cruz, A. M. and Huang, C., 2009, The effects of confidence in government and information on perceived and actual preparedness for disasters. *Environment and behavior*. Vol. 41, No. 3, pp. 338-364. <https://doi.org/10.1177/0013916508317222>
11. Briefing, S., 2002, Local government in Scotland Bill: power of well-being [online]. Scotland, The Scottish Parliament. Available from: http://www.scottish.parliament.uk/business/research/pdf_res_brief/sb02-69.pdf [Accessed 01 April 2010].
12. Chamlee-Wright, E. and Storr, V. H., 2010, Expectations of government's response to disaster. *Public choice*. Vol. 144, No. 1-2, pp. 253-274. <https://doi.org/10.1007/s11127-009-9516-x>
13. Chang, V.; Walters, R.J. and Wills G., 2015, Delivery and adoption of cloud computing Services in Contemporary Organizations. *IGI Global*. pp. 166-197.
14. Chapagain, T. and Raizada, M. N., 2017, Impacts of natural disasters on smallholder farmers: gaps and recommendations. *Agriculture & Food Security*. Vol. 6, No. 1, pp. 39.
15. Davies, M.; Guenther, B.; Leavy, J.; Mitchell, T. and Tanner, T., 2009, Climate change adaptation, disaster risk reduction and social protection: complementary roles in agriculture and rural growth?. *IDS Working Papers*. Vol. 2009, No. 320, pp. 10-37.
16. Djalante, R.; Holley, C. and Thomalla, F., 2011, Adaptive governance and managing resilience to natural hazards. *International Journal of Disaster Risk Science*. Vol. 2, No. 4, pp. 1-14. <https://doi.org/10.1007/s13753-011-0015-6>
17. Donahue, A. K.; Eckel, C. C. and Wilson, R. K., 2014, Ready or not? How citizens and public officials perceive risk and preparedness. *The American Review of Public Administration*. Vol. 44, No. 4, pp. 89-111. <https://doi.org/10.1177/0275074013506517>
18. Drabek, T. E., 2012, *Human system responses to disaster: An inventory of sociological findings*. Springer Science & Business Media.

19. Erickson, P. A., 1999, *Emergency response planning: For corporate and municipal managers*. Elsevier.
20. Firdhous, M. F. M. and Karuratane, P. M., 2018, A Model for Enhancing the Role of Information and Communication Technologies for Improving the Resilience of Rural Communities to Disasters. *Dalam: Procedia Engineering*. Vol. 212, pp. 707-714. <https://doi.org/10.1016/j.proeng.2018.01.091>
21. Fischhoff, B., 2013, Risk perception and communication. *Section 8 of environmental and occupational health sciences*, pp. 940-954.
22. Haigh, R. and Amaratunga, D., 2010, An integrative review of the built environment discipline's role in the development of society's resilience to disasters. *International journal of disaster resilience in the built environment*, Vol. 1, No. 1, pp. 11-24. <https://doi.org/10.1108/17595901011026454>
23. Hayles, C. S., 2010, An examination of decision making in post disaster housing reconstruction. *International Journal of Disaster Resilience in the Built Environment*. Vol. 1, No. 1, pp. 103-122. <https://doi.org/10.1108/17595901011026508>
24. Janssen, D., 2006, Disaster Planning in Rural America. *Public Manager*. Vol. 35, No. 3, pp. 40-43.
25. Jigyasu, R., 2004, Sustainable post disaster reconstruction through integrated risk management—the case of rural communities in South Asia. *Journal of research in architecture and planning*, Vol. 3, pp. 32-43.
26. Kapucu, N.; Hawkins, C. V. and Rivera, F. I., 2013, Disaster preparedness and resilience for rural communities. *Risk, Hazards & Crisis in Public Policy*. Vol. 4, No. 4, pp. 215-233.
27. Kartez, J. D. and Lindell, M. K., 1990, Adaptive planning for community disaster response. *Cities and disaster: North American studies in emergency management*. No. 101, pp. 5-33.
28. Kirsch, T. D.; Wadhvani, C.; Sauer, L.; Doocy, S. and Catlett, C., 2012, Impact of the 2010 Pakistan floods on rural and urban populations at six months. *PLoS currents*.
29. Klein, R., 2018, The Role of Government in Managing the Risks of Natural Disasters. [10.13140/RG.2.2.30959.69285](https://doi.org/10.13140/RG.2.2.30959.69285).
30. Kunreuther, H., 2006, Disaster mitigation and insurance: Learning from Katrina. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*. Vol. 604, No. 1, pp. 208-227. <https://doi.org/10.1177/0002716205285685>
31. Lebel, L.; Anderies, J. M.; Campbell, B.; Folke, C.; Hatfield-Dodds, S.; Hughes, T. P. and Wilson, J., 2006, Governance and the capacity to manage resilience in regional social-ecological systems. https://digitalcommons.library.umaine.edu/ers_facpub/129
32. Malalgoda, C. I.; Amaratunga, R. D. G. and Pathirage, C. P., 2010, Role of local governments in disaster risk reduction. *Conference or Workshop Item (Paper)*. <http://usir.salford.ac.uk/id/eprint/9742>.
33. Manning, N., 2001, The legacy of the New Public Management in developing countries. *International Review of Administrative Sciences*. Vol. 67, No. 2, pp. 297-312. <https://doi.org/10.1177/0020852301672009>
34. Matsimbe, Z., 2003, The role of local institutions in reducing vulnerability to recurrent natural disasters and in sustainable livelihoods development. University of Cape Town [http://www.fao.org/docrep/007/ae079e/ae079e00.htm# Contents](http://www.fao.org/docrep/007/ae079e/ae079e00.htm#Contents).
35. McGuire, S. and Sperling, L., 2013, Making seed systems more resilient to stress. *Global Environmental Change*. Vol. 23, No. 3, pp. 644-653.
36. Mohamed Shaluf, I., 2007, Disaster types. *Disaster Prevention and Management: An International Journal*. Vol. 16, No. 5, pp. 704-717.
37. National Oceanic and Atmospheric Administration (NOAA), 2013, *Risk Communication Basics: Social Science Tools For Coastal Programs*. Guide Book.
38. National Report of the I.R. Iran on Disaster Reductio, 2005, *World Conference on Disaster Reduction*. Kobe, Japan.
39. Noll, R. G., 1996, The complex politics of catastrophe economics. *Journal of Risk and Uncertainty*. Vol. 12, No. 2-3, pp.141-146. <https://doi.org/10.1007/BF00055790>

40. O'Brien, G.; O'Keefe, P.; Rose, J.; Wisner, B., 2006, Climate change and disaster management. *Disasters*. Vol. 30, No. 1, pp. 64-80.
41. Pynoos, R. S.; Goenjian, A.; Tashjian, M.; Karakashian, M.; Manjikian, R.; Manoukian, G.; ... and Fairbanks, L. A., 1993, Post-traumatic stress reactions in children after the 1988 Armenian earthquake. *The British Journal of Psychiatry*. Vol. 163, No. 2, pp. 239-247.
42. Russell, L. A.; Goltz, J. D. and Bourque, L. B., 1995, Preparedness and hazard mitigation actions before and after two earthquakes. *Environment and behavior*. Vol. 27, No. 6, pp. 744-770. <https://doi.org/10.1177/0013916595276002>
43. Schneider, Sandra K., 1990, Disaster relief: The politics of intergovernmental relations. by R. M. Stratton. Publius: *The Journal of Federalism*. Vol. 20, No. 4, pp. 170-71.
44. Shreve, C. M. and Kelman, I., 2014, Does mitigation save? Reviewing cost-benefit analyses of disaster risk reduction. *International journal of disaster risk reduction*. No. 10, pp. 213-235. <https://doi.org/10.1016/j.ijdr.2014.08.004>
45. Sperling, F. and Szekely, F., 2005, *Disaster risk management in a changing climate*. Vulnerability and Adaptation Resource Group (VARG).
46. Sperling, L., 2008, When disaster strikes: a guide to assessing seed system security (No. 363). *CIAT*.
47. Sojasi Qeidari, H.; Mahmoodi, H. and Jafari, F., 2017, An Analysis of Entrepreneurial Skills of Women in Rural Areas: A Case Study of Villages in Central District of Fariman (Persian). *Journal of Rural Research*, Vol. 8, No. 2, pp. 242-263. <http://dx.doi.org/10.22059/JRUR.2017.62679>
48. Suda, C. A., 2000, Natural disaster preparedness, environmental degradation and sustainable development in Kenya. *African Study Monographs*. Vol. 21, No. 3, pp. 91-103. <https://doi.org/10.14989/68197>
49. Uitto, J. I. and Shaw, R., 2016, *Sustainable development and disaster risk reduction*. Tokyo: Springer.
50. UN/ISDR, 2005, "Hyogo framework for 2005-2015: Building the resilience of the nations and communities to disasters." www.unisdr.org/we/inform/official-docs/Hyogo-framework-action-English.pdf, accessed, January 04, 2007, 3.
51. UNISDR, 2010, Local Governments and Disaster Risk Reduction: Good Practices and Lessons Learned. Report, *United Nations International Strategy for Disaster Reduction (UN/ISDR)*.
52. Wolensky, R. P. and Miller, E. J., 1981, The everyday versus the disaster role of local officials: Citizen and official definitions. *Urban Affairs Quarterly*, Vol. 16, No. 4, pp. 483-504. <https://doi.org/10.1177/107808748101600406>
53. World Bank, 2010, Financial Protection against Natural Disasters: From Products to Comprehensive Strategies. *International Bank for Reconstruction and Development*. Internet: www.worldbank.org
54. Wright, J. D. and Rossi, P. H., 1981, *Social science and natural hazards*. Cambridge. MA: Abt Books.
55. Yorke, D.A., 2007, The local government in England and Wales. *European Journal of Marketing*. Vol. 18, No. 2, pp. 10-16.